

فصل فی احکام الجبائر ۲۰/۰۲/۹۹

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی احکام الجبائر

۱۳۹۹

تاریخ: ۲۰ اردیبهشت

موضوع جزئی: تکلیف در رابطه با شیء چسبیده به مواضع وضو

رمضان ۱۴۴۱

مصادف با: ۱۵

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

جلسه: ۴۶

مسأله ۶۰۸: «إذا كان شيء لاصقاً ببعض مواضع الوضوء مع عدم جرح أو نحوه و لم يمكن إزالته أو كان فيها [1] جرح و مشقة لا تتحمل مثل القير و نحوه يجرى عليه حكم الجبيرة و الأحوط ضم التيمم أيضاً».

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر به بعضی از مواضع وضو چیزی چسبیده باشد؛ به گونه‌ای که جراحت یا مثل آن در کار نباشد و برطرف کردن آن شیء چسبیده شده، به صورت متعارف ممکن نباشد یا مثل قیر و امثال آن باشد که برطرف کردن آن جرح و مشقتی که خارج از تحمل باشد در پی داشته باشد، در این صورت، حکم جبیره بر آن جاری می‌شود و احتیاط [مستحب] این است که تیمم نیز به آن ضمیمه شود.

دلیل حکم مذکور، مبنی بر حکم به وضوی جبیره‌ای تمسک به روایات ذیل است:

روایت اول: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الدَّوَاءِ إِذَا كَانَ عَلَى يَدَيِ الرَّجُلِ، أَوْ يُجْزِيهِ أَنْ يَمْسَحَ عَلَى طَلَاءِ الدَّوَاءِ؟ فَقَالَ: «نَعَمْ يُجْزِيهِ أَنْ يَمْسَحَ عَلَيْهِ» [2].

روایت دوم: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّوَاءِ يَكُونُ عَلَى يَدِ الرَّجُلِ، أَوْ يُجْزِيهِ أَنْ يَمْسَحَ فِي الْوُضُوءِ عَلَى الدَّوَاءِ الْمَطْلِيِّ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: «نَعَمْ يَمْسَحُ عَلَيْهِ وَ يُجْزِيهِ» [3].

در دو روایت مذکور، از امام رضا (ع) درباره دارویی که روی دست شخص گذاشته شده است، از آن حضرت (ع) سؤال شده است که آیا مسح بر روی دارو مجزی است یا مجزی نیست؟ آن حضرت (ع) فرموده است که مسح بر روی دارو کافی است.

دو روایت مذکور، بر موردی دلالت دارند که شخص عذر دارد، لکن گفته شده است که ظاهراً ملاک، صورت تعذر رفع دارویی است که حاجب است و به پوست چسبیده است و در بحث مورد نظر نیز شخص چون قیر و امثال آن را که به پوست چسبیده است، نمی‌تواند برطرف کند وضوی جبیره‌ای می‌گیرد، بنابراین از این دو روایت استفاده می‌شود که ملاک مجزی بودن مسح بر دارویی که روی دست گذاشته شده است، تعذر رفع دارویی است که روی دست چسبیده است و این ملاک، بحث مورد نظر را که چیزی به پوست بعضی از مواضع وضو چسبیده است و رفع آن ممکن نیست یا متعذر است، شامل می‌شود لذا در این فرض نیز مسح بر آن شیء چسبیده شده، مجزی است.

مرحوم صاحب جواهر (ره) نیز نظر مرحوم سید (ره) را تأیید کرده است.

مرحوم صاحب جواهر (ره) فرموده است: «لعل الأقوى فى النظر قيام مطلق الحاجب مقام محجوبة مع تعذر الإزالة، لخبرالمرارة و فحوى حكم الجبائر بعد إلغاء خصوصية المرض و للقطع بفساد القول بوجوب التيمم بدل الغسل و الوضوء لمن كان فى بدنه قطعة قير مثلاً مدى عمره و غير ذلك مما يظهر بالتأمل و الاحتياط لا ينبغى أن يترك، بل لعله كاللازم فى أمثال المقام، تحصيلاً للبراءة اليقينية» [4]؛ به نظر می‌رسد که اقوی این است که هر مانع و حاجبی با تعذر ازاله آن، در مقام محجوب قرار می‌گیرد و دلیل این حکم، خبر مراره [عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَثَرْتُ فَأَنْقَطَعَ ظَفْرِي فَجَعَلْتُ عَلَى إصْبَعِي مَرَارَةً، فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ؟ قَالَ: «يُعْرِفُ هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ... امْسَحْ عَلَيْهِ» [5]] و فحواى حکم جبائر بعد از إلغاء خصوصیت از عنوان مرض است و همچنین، به خاطر اینکه نسبت به فساد قول به وجوب تیمم بدل از غسل و وضو برای کسی که در بدنش قطعه قیری که تا پایان عمرش باقی است و غیر آن، از چیزهایی که با تأمل ظاهر می‌شود، یقین و قطع است و سزاوار نیست که احتیاط ترک شود، بلکه شاید احتیاط در این مقام از باب تحصیل برائت یقینی، لازم و واجب باشد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که سخن در مدرک حکم به مسح بر جبیره در فرض مذکور است، یعنی حکم به مسح بر جبیره چه مدرکی دارد؟

ایشان فرموده است که روایات احکام جبائر، فرض مورد بحث [که مانعی بر موضع وضو چسبیده است و برطرف کردن آن ممکن نیست یا متعذر است و جراحتی در کار نیست] را شامل نمی‌شوند زیرا این روایات به فرضی مربوط می‌شوند که جراحتی در کار باشد و قرح و کسر نیز با تمسک به اجماع به جرح ضمیمه می‌شوند، لکن این روایات موردی را که جراحت یا قرح یا شکستگی در کار نباشد، شامل نمی‌شود. بنابراین، دلیلی مبنی بر الحاق چیزی که به دست چسبیده است به جبیره وجود ندارد و روایات باب جبائر این مورد را شامل نمی‌شوند.

مرحوم شیخ انصاری (ره) در کتاب طهارت از باب تنقیح مناط وارد شده است و خواسته است که مدرک حکم مذکور در مسأله مورد بحث (مسأله ۶۰۸) را درست کند و فرموده است که ملاک در احکام جبائر صرفاً جرح و گذاشتن پارچه بر جراحت نیست، بلکه ملاک، عدم تمکن متوضی از رساندن آب به بشره است و این ملاک و مناط در فرض مورد بحث نیز که چیزی به پوست چسبیده است و امکان برطرف کردن آن نیست، وجود دارد، بنابراین، در فرض مورد بحث نیز وظیفه شخص این است که وضوی جبیره‌ای بگیرد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) به کلام مرحوم شیخ انصاری (ره) اشکال کرده است و فرموده است که تنقیح مناطی که در کلام مرحوم شیخ انصاری (ره) آمده است شبیه به قیاس است و ایشان فرض مذکور را به باب جرح، قیاس کرده است چون اساساً به مناطات و ملاکات احکام علم نیست و معلوم نیست که ملاک و مناط حکمی که از طرف شارع مطرح شده است چه چیزی بوده است تا آن ملاک به سایر موارد نیز سرایت داده شود. بنابراین، تنقیح مناطی که در کلام مرحوم شیخ انصاری (ره) آمده است قیاس است و قیاس اعتباری ندارد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در رابطه با کلام مرحوم صاحب جواهر (ره) که فرموده است که به فساد حکم به وجوب تیمم در فرضی که چیزی، مثل قیر و امثال آن به دست چسبیده باشد و کندن آن ممکن نباشد، قطع و یقین است، گفته است که ادعای ایشان مبنی بر حکم به فساد تیمم در فرض مذکور، وجهی ندارد زیرا اشکالی ندارد که در فرض مذکور، گفته شود که وظیفه شخص این است که تیمم کند زیرا در فرض مذکور، شخص از ایصال الماء به بشره معذور است و شارع مقدس طهارت ترابیه و تیمم را بدل از طهارت مائیه و وضو قرار داده است.

بحث جلسه آینده: تتمه بحث مذکور، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»

[1]. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۶۲.

[2]. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۷، ص ۴۵۵، ح ۲.

[3]. همان، ص ۴۶۶، ح ۱۰.

[4]. محمد حسن، نجفى (صاحب الجواهر)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، ج ٢، ص ٣٠٣ و ٣٠٤.

[5]. شيخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ١، كتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ٣٩، ص ٤٦٤، ح ٥.